

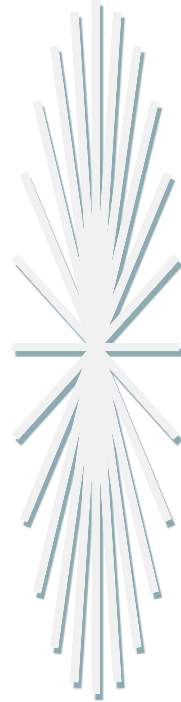
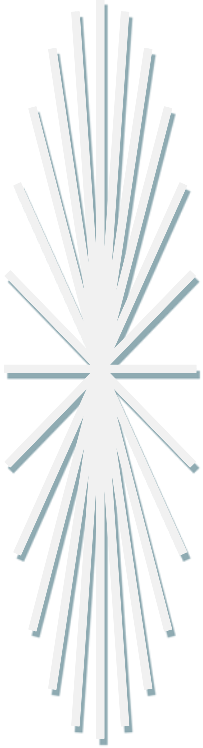


## شرحی بر دعای خمس عشر

محقق: فاطمه پورشفیغ

تابستان ۹۵

تقدیم به روح مطہر معصومین علیہ السلام



## مقدمه:

از بزرگترین نعمتهای خداوند بر بنده اش در خواست است ، تقاضا است ، خواستن است پس بنده وقتی از خداوند چیزی بخواهد، علل و اسباب رسیدن به این در خواست را باید آماده کرده باشد؛ که آن خود شناسی و خداشناسی است.

اعمال صالح ، ایمان ، تقوی ، درجاتی در دنیا دارند که لیاقت را برای انسان رقم می زند و این صفات گزینه های خوبی هستند برای رسیدن به مطلوب که آنها در خواست از خداوند است؛ ولی گاهی گناه ضعف اعتقادی را بوجود می آورد و براین اساس لیاقت وجودی کم شده و استجابیت دعا را طولانی می کند. هرچه استجابیت دعا طولانی شود و انسان به جواب در خواست خود نرسد تخفیف در گناهان حاصل می گردد که بزرگترین نعمت است؛ در این حین نتیجتاً انسان بخود می آید و متوجه اعمال خود می گردد و وزنه اعمال خود را می سنجید. آنچه مسلم است تکامل بشریت در کشف فلسفه آفرینش و پیاده کردن پیام دین در زندگی است.

امام صادق(ع) در تبیین جنود عقل و جهل می فرماید: " والدَّاعَا ضِدَّهُ الاستنکاف" دعا و ضد آن خود داری است( کافی ج ۱ ص ۲۳ح ۱۴)

دعا از جنود عقل است، عقل انسان را نیازمند مطلق می بیند و لذا او را به عبودیت کمال مطلق دعوت می نماید تا با عبادت و پرستش الهی به عنایت و رحمت الهی برسد، از این رو پیشوایان دین به دلیل بالاترین مراتب عقل و معرفت پیش از دیگران خود را نیازمند به خدا می دانستند پس به دعا اهتمام داشتند که دعای خمس عشر از آن جمله است، که در ابتداء حس عبودیت فرد نسبت به آفریدگار شکل گرفته و بتدریج رشد می یابد تا در مرحله زهد بهره گیری از رحمتهای الهی را به اوج خود برساند. در باره این دعا باید گفت: دعای خمس عشر پله مبارزاتی نفسانی در برابر قوای شهویه و بهیمیه و غضبیه است که مسمای آن جهاد با نفس که همان جهاد مرکب است. دعای خمس عشر سیر آفاقی و انفسی بشر بسوی قرب الهی است.

دعای خمس عشر ، پانزده مناجات عرفانی ، اخلاقی ، رفتاری و گفتاری و آموزشی در جهت ارتقاء بشریت از امام سجاد (ع) است :

سند مناجات خمس عشر در کتابهای الصحيفة الثانية السجادية، بحار الانوار و مفاتيح الجنان آمده است. علامه مجلسی می گوید: «این مناجات را در برخی از کتابهای اصحاب دیدم که از امام سجاد (ع) روایت کرده اند؛ در حالی که ایشان نامی از آن کتابها نبرده و سند روایت را هم نقل نکرده است. شیخ حرّ عاملی نیز در «الصحيفة الثانية السجادية» این مناجات پانزده گانه را از دعاهای سجادیه دانسته و بدون هیچ تردیدی به امام سجاد (ع) نسبت داده است. روایت مناجات خمس عشر مرسل است، و مطالب و مفاهیم موجود در این مناجاتها با اصول و آموزه های قرآنی و دعاهای ماثور دیگر موافق است.

محمد تقی بن مقصود علی اصفهانی، (۱۰۰۳-۱۰۷۰ق) مشهور به مجلسی اول، پدر علامه مجلسی و از علمای شیعه در قرن یازدهم قمری. از وی آثاری چون روضة المتقین و لوامع صاحبقرانی برجای مانده است، مجلسی در اصفهان و نجف تحصیل کرد، وی در مسجد جامع اصفهان به تدریس علوم دینی مشغول بود و پس از استادانش شیخ بهائی و میر داماد، در این مسجد نماز جمعه اقامه می‌کرد.

محمد تقی مجلسی پدر علامه مجلسی - می‌گوید: «شایسته است که سالک الی الله مداومت بر خواندن مناجات خمس عشر داشته باشد» بعضی از شاگردان سید علی طباطبایی صاحب ریاض از قول وی نقل می‌کردند که ایشان دائما می‌گفت: من چندین سال است که بر قرائت این مناجات مداومت دارم و بر اثر قرائت این مناجات‌ها، خداوند بر قلب من انوار حکمت، معرفت و محبت را تابانده است به صورتی که قابل شمارش نیست و من این مناجات‌ها را در استجابت دعا تجربه نموده‌ام، و سالکان و عبادت کنندگان بر قرائت این مناجات مداومت می‌کنند. جالب اینکه این دعا از جمعه شروع می‌شود به ترتیب تا پانزده روز طول می‌کشد و در جمعه پانزدهم پایان می‌یابد. پس به امید خداوند در معنا دعای خمس عشر وارد می‌شویم:

- ۱- مناجات التائبین : آموزش توبه برای حفظ عزت در دنیا
- ۲- مناجات الشاکین: آموزش رفع شبهات و شکایت از نفس اماره که راه توبه را بر انسان بسته.
- ۳- مناجات الخائفین : آموزش خوف از خداوند از بحرانهای رذائل عقیدتی و اخلاقی
- ۴- مناجات الراجین : آموزش امید در برابر خوف الهی، امیدی که پناهش جز خدا کسی دیگر نیست. امیدی که اگر هست باید با خوف همراه باشد.
- ۵- مناجات الراغبین: آموزش رغبت به دین و بی رغبتی به دنیا. که رغبت به دنیا جزء عصیان و طغیان چیزی برای بشر به ارمغان نمی‌آورد.
- ۶- مناجات الشاکرین: آموزش شکر گذاری از خداوند سبحان.
- ۷- مناجات المطیعین: آموزش طاعت بندگی از نیت تا عمل.
- ۸- مناجات المریدین: آموزش واقعی مرید و مراد که بیراه رفتن ، هلاکت ابدی دارد.
- ۹- مناجات المحبین: آموزش بندگی خالصانه در برابر خداوند.
- ۱۰- مناجات المتوسلین : شناخت اسباب - وسیله قرب "کتاب الله و عترت" برای دوری از انحرافات
- ۱۱- مناجات المفتقرین : دواء و درمان و آموزش برای کسانی که نیاز روحی و جسمی دارند ولی نمی‌دانند.
- ۱۲- مناجات العارفين : آموزش و پاسخ به شبهات و مبارزه با عرفانهای کاذب نه زهد تنها.

۱۳- مناجات الذاکرین: آموزش ذکر و مفهوم آن.

۱۴- مناجات المعتصمین: آموزش سوار شدن بر کشتی نجات با ریسمان الهی

۱۵- مناجات الزاهدین: آموزش زهد و دوری از رهابیت

## فهرست مناجات ششم:

- معنای شکر
- کفران نعمت
- وظیفه انسان در برابر منعم
  - زنجیر عزت و افتخار
  - تشکر از خالق و مخلوق
  - حق شکر

## المناجات السادسة: «مناجات الشاكرين»



السّادِسَه: «مُناجاة الشّاكِرِين»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِنامِ خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي أَدْهَلْنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابَعُ طَوْلِكَ، وَأَعْجِزْنِي عَنْ

خدایا بخشش پی در پی تو انجام دادن سپاسگزاری را از یاد من برد و ریزش فضل و احسانت مرا از

إِخْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلِكَ، وَشَغَلْنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ

شمردن ثنا و ستایشت عاجز کرد و پشت سر هم آمدن نیکیهایت مرا از ذکر ستودنیهایت بازداشت و پیپی

عَوَائِدِكَ، وَأَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ نَوَالِي آيَادِكَ

رسیدن نعمتهایت مرا از نشر عوارفیک نوالی آیادیک کرد

شرح این فراز:

معنای شکر:

شکر از صفات پسندیده است و ضدش کفران از اصول ذمیمه است . شکر هر نعمتی موجب مزید آن نعمت است و کفرانش مورث حرمان است.

حضرت صادق(ع): هر کسی را چهار چیز دادند و از چهار چیز محروم نکردند:

کسی را که اجازه دادند از اجابت محروم نکردند. کسی را که راه استغفار دادند توبه او را قبول کردند . کسی را که شکر دادند از زیادتی نعمت محروم ننمودند . کسی را که صبر کرامت کردند از اجر و ثواب محروم نساختند(خصال - شیخ صدوق- ص ۲۰۲ ح ۱۶)

باید دانست که شکر هر نعمتی مشتمل بر چند چیز است ۱- منعم خود را بشناسد و بداند چیزی که لایق آن نباشد به او ندهند پس مراقب باشد ناشکری و کفران نکند. ۲- انسان باید بداند که نعمت از طرف کیست و نعمتهای خدا را از جانب دیگران نداند. باید شخص با دریافت نعمت آنرا از منعم خود بداند این است که شکر آن نعمت را ادا کرده است. ۳- شخص اظهار آن نعمت را بکند و ثنای منعم را به زبان آورد . نعمت خدا هر چه کوچک باشد یا بزرگ باشد بنده بگوید "الحمد لله" شکر آن را بجا آورده است. ۴- نعمت را در چیزی صرف کند که رضای منعم در آن است و حقی را که خدا در آن نعمت بر او واجب نموده ادا کند؛ مثل زبان که نعمت زبان این است که در انجام واجب یا مستحب گویا شود و در آنچه که خدا نهی کرده و مکروه ساخته بسته شود.

باید دانست نعمتی که سپاسگزاری نشود مانند گناهی است که آمرزیده نشود. فاذکرونی أذکرکم و اشکروالی و لا تکفرون (بقره ۱۵۲)

امام سجاد(ع) فرمودند: ستایش خدایی را که اگر شناخت حمد خود در برابر احسانهای پیاپی و نعمتهای فراوانی که به بندگانش عطا می کند از آنان باز دارد آنان از نعمتها بهره می گیرند ولی ستایشش نمی کنند و از روزی او برخوردار می شوند و سپاسش نمی گویند در این صورت از مرزهای انسانیت به مرز حیوانیت سقوط می کنند و در زمره آنان می شوند که خداوند در کتاب استوار خود می فرماید " نیستند مگر مانند حیوانات بلکه گمراهتر از آنان" (الارشاد ۱/۳۰۰) (میزان الحکمة/ ۹۵۷۱/ باب شکر)

شکر نعمت موجب ایمن ماندن از انتقام خداوند می شود(غررالحکم ۵۶۶۶) باید دانست که فراوانی نعمت و قرار گرفتن انسانها در نعمتهای بیشمار آغازگرنافرمانی خدا از سوی بشر است و بدین سبب شکر الهی قلیل گردد .

**وَهَذَا مَقَامٌ مِّنْ اعْتَرَفَ بِسُبُوعِ النَّعْمَاءِ، وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ، وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ  
بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ،**

**من در جایگاه کسی هستم که اعتراف به وفور نعمتهای تو و در مقابل آنها به کوتاهی کردن خود دارد و به اهمال کاری و تلف کردن عمر خویش گواهی دهد**

## شرح این فراز:

کمترین وظیفه شما در برابر خداوند این است که از نعمتهای او در راه نافرمانی اش استفاده نکنید. (نهج البلاغه الحکمة ۳۳۰)

انسان در نعمتی که خدا بر او فرود آورده نباید در شکر و سپاس از خداوند کوتاهی کند. همه انسانها مقصرند در برابر شکر الهی. آیا می دانی که برای هر نفسی از نفسهای شکری واجب است آنهم هزار شکر و یا بیشتر از آن.

برای خوردن یک لقمه تفکر نما که خدا چه نعمتی به تو داده وقتی حرکت یک لقمه را ببینی تا رسیدن به قوای بدنی اعتراف می کنی که شمردن نعمتهای الهی محال است!

هر کس که سپاس گذارد تنها به سود خویش سپاس می گزارد و هر که ناسپاسی کند بی گمان پروردگار من بی نیاز و کریم است" و من شکر فائما یشکر لنفسه و من .....(النمل ۴۰)

امام عسکری (ع) فرمودند: قدر نعمت را نشناسد مگر سپاسگزار و شکر نعمت نگذارد مگر آن که قدر نعمت را شناسد ( اعلام الدین ۳۱۳- میزان الحکمة ج ۶ ح ۹۵۸۶) ولی خداوند در قرآن کریم می فرماید: ولکن اکثر الناس لا یشکرون (غافر ۶۱)

لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إنّ عذابی لشدید (ابراهیم ۷) نعمتهای الهی بر همه فرود می آید ولی دنیا پرستان غافلند و فراموشکار، آنان نمی دانند که اگر شکر آن نعمتها را بجا نیاورند آن نعمتها مایه وبال آنان می شود و ضایع می گردد و مردمی را به مصیبتها گرفتار می کند. صبر در گرفتاریها و عملکرد صحیح، آن مصائب را به نعمت تبدیل خواهد کرد.

## کفران نعمت چیست؟

نعمتهای خداوند باید شناخته و بجا مصرف شود که در غیر اینصورت کفران نعمت است. کفران نعمت گاهی در اصول دین و گاهی در فروع دین رخ می دهد. مثلا "امامت" بعضی وجود پیغمبر آخر زمان و بعثت ایشان را اعظم نعمتهای خدا می دانند و بعضی نمی دانند - حال دانستن و اعتقاد به قبول پیغمبر آخر زمان و امامت فرزندان ایشان وسیله سعادت ابدی و واسطه فیض در نعمتهای دنیایی و آخری است و انکار آن بدترین نوع کفران نعمت است. پس فرد در این انکار یا لجنزار بی اعتقادی فرو می رود و بندگی را کنار می گذارد و خسران را به جان و دل می خرد در نتیجه خود فرد در ظاهر نابود شده و اثرات کفران نعمت اعضای بدن او را چون عقل و نفس و مشاعر و عضلات و رباطات و سایر ادواتی که در تحریک آن عضو دخالت دارند همه بسوی قبح عمل و کفران نعمت پیش می روند و اگر تفکر نمایی کفران نعمت های غیر متناهی را به عمل می آورد.

از امام محمد تقی (ع) نقل شده است: که سلمان روزی ابوذر را به خانه خود طلبید و دو گرده نان نزد او حاضر نمود ابوذر نانها را به دست گرفت و می گردانید و نظر می کرد. سلمان گفت: ای ابوذر! برای



چه ملاحظه آن ناناها می کنی؟ گفت: می خواستم ملاحظه کنم که خوب پخته است یا نه! سلمان غضبناک شد و گفت: بسیار جرئت می نمائی که نعمت الهی را سبک می شماری! والله! که در این نان عمل کرده است، آبی که زیر عرش است، ملائکه عمل کرده اند، تا عمل آن آب را به باد داده اند و باد آن را در ابر ریخته و ابر در آن کار کرده، تا آن را بر زمین باریده ورعد و ملائکه در آن عمل کرده اند تا به جاهای خود قطره های باران را گذاشته اند و در این نان زمین و چوب و آهن و حیوانات و آتش و هیزم و نمک بکار رفته است. و آنچه در آن دخالت دارد. پس چگونه تو این شکر را می توانی به جا آوری؟! ابوذر گفت: از سخن خود توبه کردم و استغفار می نمایم و عذر تو را نیز می خواهم.

سلمان بار دیگر ابوذر را به ضیافت طلبید و پاره ای نان خشکی چند از انبان خود به در آورد و در آب فرو برد و نزد ابوذر گذاشت. ابوذر گفت: چه نیکونانی است! ای کاش نمک هم بود! سلمان رفت و کاسه خود را گرو گذاشت و نمکی گرفت و حاضر ساخت. ابوذر نمک بر آن نان می پاشد و می خورد و می گفت: حمد و سپاس خداوندی را که ما را این قناعت روزی کرده است! سلمان گفت: اگر قناعت داشتی، کاسه من به گرو نمی رفت.

## **وَأَنْتَ الرَّؤُفُ الرَّحِيمُ الْبَرُّ الْكَرِيمُ، الَّذِي لَا يُخَيِّبُ قَاصِدِيهِ، وَلَا يَطْرُدُ عَنْ فِنَائِهِ أَمَلِيهِ، بِسَاحَتِكَ تَحُطُّ رِحَالُ**

و تو ای خدای با عطوفت و مهربان و نیکوکار و بزرگواری که روآوردگان بسویت را  
نومید

نسازی و آرزومندات را از درگاهت نرانی، امیدواران به آستانه تو بار امید خود را  
بیندازند

## **الرَّاجِينَ، وَبِعَرَصَتِكَ تَقِفُ أَمَالُ الْمُسْتَرْفِدِينَ، فَلَا تُقَابِلُ أَمَالَنَا بِالتَّخْيِيبِ وَالْأَيَّاسِ، وَلَا تُلْبِسُنَا سِرْبَالَ الْغَنُوطِ وَالْإِبْلَاسِ،**

و آرزوهای عطاخواهان به میدان وسیع کرم تو توقف کنند پس ای خدا تو آرزوهای ما  
را با نومیدی و یأس روبرو مگردان و جامه ناامیدی و دل شکستگی بر ما میپوشان

شرح این فراز:

خدایی که بخشنده و کریم و مهربان است و هر جوینده ای را که بسویش می آید نا امید نمی کند و هر آرزومندی که بسوی ساحت پر مهر او حرکت می کند در اندوه فرو رفتن در نا امیدی قرار نمی دهد. با حرکت معنوی فرد بسوی پروردگار مهربانش هیچگاه پیراهن نا امیدی بر تن او پوشانده نمی شود. اگر شخصاً فردی نا امید شد باید علت نا امیدی را در خواص خود بررسی نماید زیرا زندگی دنیا محل امتحان است و خداوند در این امتحان بندگان را غربال می نماید تا فرد شایسته از فرد غیر شایسته متمایز گردد. اگر انسان در این غربال افتاد همواره سعی کند با ابزار توکل خود را از این چاه نجات دهد تا در

مانده و افسرده نشود که پیکر او در این وادی افسردگی تحت تصرف شیاطین قرار خواهد گرفت و دنیای مجازی با تبلیغات سوء خود از این فرصت استفاده می کند و او را به لب پرتگاه بی اعتقادی و شیطان پرستی و خلاصه لائیک و بهائیت و ووهابیت و و خودکشی می کشاند. شما با حفظ دین در گرفتاریها ی طولانی مطمئناً برنده هستید زیرا در این دنیا زندگی کردی و آتش سختیها را به خاطر حفظ دین تحمل کردی و پس نزدی! مانند ابراهیم در آتش که از ادامه راه ناامید نشد و همواره بر ایمان خود افزود و از شرّ شیاطین خودش را حفظ نمود تا آتش به گلستان تبدیل شد . نمونه دیگر در قرآن داستان یوسف است که به خاطر تهمت به زندان افتاد ولی پایبند ایمان خود بود و نا امید از لطف خدا نشد و تحمل بالای او در سختیها او را به منصب بالایی رساند. در قرآن برای رشد ایمان و توحید در بشر امثال این داستانها فراوان است فقط تدبیر لازم است.

## إِلَهِي

### خدایا

**تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظِمِ الْإِيكِ شُكْرِي، وَتَضَائِلَ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ إِيَّايَ**

**در برابر نعمتهای بزرگت سپاسگزاری من کوچک است و در جنب اکرام و بزرگواری**

**تو ثنا و**

**ثَنَائِي وَتَشْرِي، جَلَّلَتْنِي نِعْمَكَ مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ حُلَلًا،**

**ستایش من خرد و ناقابل است نعمتهای تو زیورهایی از انوار ایمان بر من پوشانده**

**شرح این فراز:**

کمترین وظیفه در قبال منعم این است که با نعمتش نا فرمانی نشود. (غررالحکم ۳۳۰)

نعمت و لاییت و نبوت ، که همه انبیاء پیشین را کشتند و اهداف بلند ایشان را زیر پا گذاشتند با هدف تبعیت از خواستههای خود که همان بت پرستی و برگشت به جهالت بود.

دشمنان اسلام همیشه سعی داشتند در برابر حق بایستند. هر قومی در گذشته همچون قوم موسی و قوم عاد و قوم لوط یا قوم هود و قوم نوح و غیره ناسپاس بودند و در برابر نعمت های الهی سر تسلیم فرود نمی آوردند و پیامبران را از خود دفع و حق را از خود دور و زشتیها و بت پرستیها را (منظور از بت پرستی ، پرستش هر چیزی به غیر از خدا است- بنده های غفلت) جلوه می دادند و حکم خداوند تعالی در

برابر ناسپاسیهای بشر جاهل، نابود شدن و فرورفتن در زمین بود. هنوز هم در عصر حاضر ناسپاسی بصورت فردی و اجتماعی به وفور جریان دارد و مردم نمی فهمند که شکر نعمت موجب ایمن ماندن از انتقام الهی است. ای بشر بدان که حجت الهی بر تمام مردم سایه افکنده چه بر فردی که مرتکب گناه می شود و چه در نعمتی که از شکر آن کوتاهی می شود. هر که سپاس گزارد تنها به سود خویش سپاس می گزارد "ومن شکر فائما یشکر لنفسه..." (النمل ۴۰)

اوست که قدر نعمت را می شناسد و خداوند در برابر سپاس بنده نعمتها را افزایش می دهد مگر آنکه شکر گذار، شکر الهی را قطع کند. شناخت نعمت و افزایش آن بسیار مهم است و جوهی در بدست آوردن آن سهیم است: ۱- عقل- برهان عقلی که عقل مسئله را برای فرد در تمام امور ثابت می کند ۲- راه حواس که راه رسیدن به معرفت است چه در تعلیم و چه در بدست آوردن معرفت و غیره... که حواس، چیزی را درک می کند که ماده باشد و تجربه پذیر باشد ۳- راه تزکیه از راه کشف و شهود و خیلی ها در این راه قرار گرفتند و به عین الیقین رسیده اند و دلش استعداد در یافت حقایق را گرفته و سرچشمه جوشش حق می شود. ما به موازات دیواری به جلو می رویم که از پشت دیوار خبر نداریم و در یک نقطه تمام می شود و وقتی به پشت آن می رسیم به خود می گوئیم، عجب غافل بودم!، چرا از پنجره های دیوار گهگاهی به آن طرف نظاره نکردم و دلم را رها کردم به مقصد شومی، و دیده و بصیرت نداشتم و لحظه پرواز به آفاق بلند را درک نکردم ۴- راه وحی که نیاز به کشف الشهود و مکاشفه ندارد ولی انسان تمام زندگی خود را وقف فهمیدن و دانستن و عمل کرده پس با سعی و کوشش خود و توفیق الهی سیر آفاقی می یابد و به همه چیز آگاه می شود و خالصاً و مخلصاً در خدمت اولیاء الهی قرار می گیرند و این است آن زیورهایی که خداوند از انوار ایمان بر من پوشانده است. خدایا اگر من سپاس نعمتهای آشکار و پنهان تو را می کنم این از انوار ایمان است. زیرا وقتی ایمان باشد پرهیز از حرامها واجب است. شکر الهی قلباً و لساناً و عملاً بسیار سودمند است و انسان را از ارتکاب به گناه باز می دارد و باعث افزون بر نعمت می گردد. زیرا امام علی(ع) می فرماید: هر که در دل خود از نعمتها سپاسگزاری کند، پیش از آن که به زبان آورد مستحق افزایش نعمت می گردد. (غررالحکم ۹۱۰۲)

## وَصَرَبْتُ

عَلَى لَطَائِفُ بَرَكَ مِنْ الْعِزِّ كِلَالًا، وَقَلَّدَتْنِي مِنْكَ فَلَايِدَ لَا تُحَلُّ، وَطَوَّقَتْنِي  
أَطْوَاقًا لَا تُغَلُّ،

### و الطاف و احسانهايت

خيمه‌هایی از عزت برسرم زده و گردن بنده‌هایی به گردنم انداخته که باز نشود و طوقهای (بندگی) بدان آویخته که نگسلد

شرح این فراز:

زنجیر افتخار چیست؟ زنجیر عزت چیست؟ آیا دیده ای که قهرمانان ورزشی بعد از برنده شدن مدالی بر گردن خود می اندازند و آنان بعد از گرفتن مدال در بین مردم چه افتخاری می کنند؟ این عزت بر اساس ایمان به کار و هدف مشخص نصیب فرد می گردد. امان از آن لحظه ای که انسان نعمتهای الهی را فراموش کند و برکتهای الهی را از خداوند نداند و آنها را نتیجه کار و کوشش خود بداند. خدایا این چه غربتی است که بشر را گرفتار می کند. خدایا چرا طوقهای بندگی بر راحتی فراموش شده و می گسلد و طوقهای بردگی همچنان بر گردن باقی می ماند. خدایا خوشا به حال کسانی که نگهدارنده طوق بندگی هستند و چنین افرادی نمی گذارند کسی یا چیزی آنان را اسیر هوای نفسانی و بردگی کند. زنجیر عزت و افتخار به توسط فرد با قرار گرفتن در مسیر توحیدی و تحلیل درست از آموزه های توحیدی نصیب او خواهد شد.

## فَالأُنْكَ بَحْمَةٌ ضَعْفَ لِسَانِي عَنْ إِحْصَائِهَا

نعمتهای بسیار تو زبان مرا از شمردنش ناتوان کرده

## وَنَعْمًا وُكَّ كَثِيرَةً قَصُرَ فَهْمِي عَنْ إِدْرَاكِهَا فَضْلًا عَنِ اسْتِيفَائِهَا،

و بخششهای فراوانت خرد و فهم مرا از ادراکش کوتاه کرده تا چه رسد به پی بردن به پایانش

شرح این فراز:

در برابر نعمتهای بیشمار الهی، زبانم قاصر و ناتوان است و فهم و ادراک من به ادراکش نمی رسد تا چه رسد به اینکه همه را بتوانم اندازه بگیرم. نزول نعمتهای الهی، جسمی، روحی، ذاتی، حتی اکتسابی همه بدست خداوند تعالی است و آنچه در برابر آن توقع می رود شکر پروردگار در برابر نعمتهای بیکران الهی است هر چند که درست دریافت نشود.

علاوه بر این باید دانست؛ کسی که از مردم تشکر نکند از خدا تشکر نمی کند؛ امام سجاد (ع) می فرماید: خدای تبارک و تعالی در روز قیامت به یکی از بندگان خود می فرماید، آیا از فلانی سپاسگزاری کردی؟ عرض می کند، نه! بلکه از تو سپاسگزاری کردم ای پروردگار! خداوند می فرماید: چون از او تشکر نکرده ای از من نیز تشکر نکرده ای، من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق (کافی) (۳۰/۹۹/۲)

امام زین العابدین، بقول الله تبارک و تعالی لعبد من عبیده یوم القیامة أشکرت فلاناً؟ فیقول، بل شکرتک یا ربّ فیقول، لم تشکرنی، اذ لم تشکره!

انسان از سپاسگزاری غافل است. سپاسگزاری تو از کسی که از تو راضی است موجب رضایت و وفاداری بیشتر او می شود و سپاسگزاری از کسی که از تو ناخشنود است سبب رفع ناراحتی و مهربانی او نسبت به تو می شود. سپاسگزاری حقوقی است از جانب افراد خانواده به یکدیگر (فرزند به والدین و والدین به فرزند). سپاسگزاری حقوقی است از جانب فرد در اجتماع نسبت به یکدیگر (شاگرد به استاد و استاد به شاگرد) که متقابلاً ادامه دارد. سپاسگزاری بازگو کننده نیت و زبان درون است. امام علی (ع) می فرماید: رسول خدا مورد ناسپاسی قرار می گرفت و از خوبیهایش قدردانی نمی شد و ما اهل بیت نیز احسانهایمان نادیده گرفته می شود و مورد تشکر قرار نمی گیریم. مؤمنان نیک نیز ناسپاسی می شوند و کسی از خوبیهای آنان قدردانی نمی کند (البحار ۲/۲۶۰/۶۷)

حال اگر منتظر تشکر طرف مقابل بودی و او بی رغبت بود، مراقب باش او تو را با عمل خود به خوبی کردن بی رغبت نسازد که خداوند نیکوکاران را دوست دارد و دست رحمت خود را بر سر هر نیکوکاری می کشد و او نزد خدا ارجمندتر است.

## **فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ، وَشُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرِي، فَكُلَّمَا**

و با این ترتیب من چگونه می توانم تو را سپاسگزاری کنم و همان سپاسگزاری من تازه احتیاج به سپاسگزاری دیگری دارد و هرگاه

**قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ، وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ،**

## بگویم ستایش مخصوص تو است برای همین جمله لازم است دوباره بگویم ستایش مخصوص توست

شرح این فراز:

امام صادق (ع) فرمودند: خدای تعالی به موسی وحی فرستاد که ای موسی ، مرا چنان که باید شکر کن. موسی عرض کرد ، پروردگارا چگونه تو را چنان که باید شکر گویم حال آنکه هر شکری که تو را می گویم خود نعمتی است که تو به من ارزانی داشته ای! فرمود ای موسی ! وقتی بدانی توفیق آن شکر را هم من به تو داده ام ، حق شکر مرا ادا کرده ای.(قصص الانبیاء اللراوندی ۱۶۱/۱۷۸- اصول کافی ۹۸/۲ح/۲۷))

در هر شکر چندین هزار شکر دیگر بر آدمی لازم است. چون در نعمتهایی که خدا در وقت شکر بر او دارد تفکر می نماید و در اینکه ادوات و آنچه موقوف علیه این شکر است همه از خداست و توفیق شکر هم از اوست. شکر گذاری عالم به خاطر علم خود عبادت است. عمل به علم عبادت است و شکر گذاری بر آن و گذاشتن آن علم در اختیار نیازمندانش شکر نعمت است. وجوب شکر برای شکر این است که کسی که خدای سبحان را شکر گوید شکر دوّمی بر او واجب می شود زیرا توفیق شکر گذاری از خود را به او داده است این است شکر برای شکر.

### الهی فَکَمَا

خدایا چنانچه

**عَدَّيْنَا بِلُطْفِكَ، وَرَبَّيْنَا بِصُنْعِكَ، فَتَمِّمْ عَلَيْنَا سَوَابِغَ النِّعَمِ، وَادْفَعْ عَنَّا**

به لطف خویش ما را خوراک دادی و به پرورش خود پروریدی پس نعمتهای فراوانت را  
بر ما کامل کن و ناگواریهای

**مَكَارِهِ النِّعَمِ، وَأَتِنَا مِنْ حُطُوطِ الدَّارَيْنِ أَرْفَعَهَا وَأَجَلَّهَا، عَاجِلًا وَأَجَلًّا، وَلَكَ**

سخت و بد را از ما دور کن و عطا کن به ما از بهره های دو جهان برتر و بهترش را چه  
اکنون و چه در آینده

**الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بَلَائِكَ وَسُبُوحِ نِعْمَاتِكَ، حَمْدًا يُوَافِقُ رِضَاكَ، وَيَمْتَرِي**

و ستایش تو را است برای آزمایش نیکویت و نعمتهای فراوانت ستایشی که برابر  
خوشنودیت باشد

## الْعَظِيمَ مِنْ بَرِّكَ وَنَدَاكَ، يَا عَظِيمُ يَا كَرِيمُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و احسان و بخشش بزرگ تو را به سوی ما جلب کند ای بزرگ و ای بزرگوار به رحمت  
ای مهربانترین مهربانان

شرح این فراز:

در دعا از خداوند تعالی می خواهیم که همانطور که بما روزی داده و تربیتمان کرده و در مسیر اسلام " جاء الحق و زهق الباطل " را شعار مبارزه با بدخواهان قرار داده و استقامت و پایداری در راه حق را طریق پیروزی بر کفر جهانی دانسته ، فرج مولایمان را هر چه زودتر برساند که این بزرگترین احسان خداوندی به مخلوق خود است.

خداوندا ! نعمت را بر ما تمام کن و عذابهای سخت را از ما دور نما و بهترین بهره های دنیا و آخرت را نصیب ما بنما. امروزه در قرن حاضر تنها چیزی که موجب عزت مسلمین است همان بیداری اسلامی است که خداوند در برابر ستم پیشگان به ما ارزانی داشته است. همه اینها تحت لوای نعمت ولایت در زمان غیبت کبری، نعمت قرآن کریم با روشن کردن حق و نشان دادن باطل، به سرعت به پیش می رود تا حقانیت اسلام را بر همگان اثبات نماید . در این فراز به خود آمده و از خداوند می خواهیم که به حق معصومین ما را برگناهان گذشته ببخشد و اگر نادان به مسائل سیاسی و دینی و ارتباط آن دو با یکدیگر (که دین از سیاست جدا نیست) هستیم ، ما را در گودال نادانی دفن نکند .

آیا برآستی بهترین های دنیا و آخرت را شناخته ایم؟ آیا خیر و شر و بدی و خوبی بدست خداست یا از بنده سر می زند ، شناخت خیر و شر -! وظیفه انسان به آن چیست؟ پاسخ به این سوالات نیاز به تدبیر در قرآن و روایت دارد. مسیر طولانی است ولی علم و کشف حقایق راه را بر ما می گشاید .

یا علی مدد!